

شادی برای تعرض به میهن؟



نیوشا طبیبی گیلانی

روزنامه‌نگار

۱ من نه تحلیل سیاسی می‌نویسم و نه در این حوزه قلم زده‌ام. تحصیلاتم علوم سیاسی است اما برای خودم صلاحیتی برای آنکه تحلیل و یادداشت سیاسی بنویسم قائل نیستم. این یادداشت را هم از سردرد می‌نویسم. دردی آمیخته به شرمساری از اینکه عده‌ای که به فقط به فارسی حرف می‌زنند و می‌نویسند و هیچ نشان دیگری از ایرانی بودن در آنها پیدا نیست، در این چند روز، آنچه می‌توانستند بر علیه ایران و ایرانی بر زبان آوردند و انجام دادند. می‌توان منتقد بود، می‌توان ناراضی و حتی مخالف وضع موجود بود؛ چنانکه بسیاری هستند، اما گذشتن از سرزمین مادری و شادی و پایکوبی کردن در تجاوز دشمنی که نیستی و نابودی ایران را می‌خواهد، هر چه هست، شرافتمندانه که نیست، هیچ، از خصایل یک انسان معمولی هم هزار فرسنگ فاصله دارد. چطور ممکن است آدمی برای بر خورداری از اندک نانی و برویایی راضی به تجاوز دشمنان به میهنش بشود؟ چطور ممکن است از مرگ هزاران انسان در غزه و لبنان حمایت کند؟ چطور ممکن است از تجاوز و تحریم دفاع کند و نشانی بدهد که بهتر است اینجا و آنجا را بزیند؟ چطور ممکن است حیات مردمی را به مخاطره افکند، بر طبل جنگ کوبید در حالی که هزاران کیلومتر آن سوی جهان نشسته و از جانب مردم ایران سخن می‌گویند؟

۲ مخالفت با این جریانی که از آن گفتم البته بی‌هزینه نیست. صدایشان چنان بلند است و چنان در ناسزاگویی و تنگ کردن عرصه گستاخ و بی‌پروا هستند که در باور نمی‌گنجد. در همین انتخابات ریاست جمهوری اخیر، سه چهار نفری جلوی سفارت ایران در مادرید پلاکار و عکس و شعار دست گرفته بودند و به هر کس که وارد سفارت می‌شد، فحاشی می‌کردند. خود من هدف ناسزاگویی‌های بی‌شرمانه‌شان قرار گرفتم. امروز روزگاری است که اگر حرف وطن‌خواهانه‌ای بزیند باید منتظر حمله و فحاشی عده‌ای باشید که خود را صاحب و مالک ایران می‌دانند و در خارج نشسته و از بودجه‌ها و امکانات دشمنان قسَم‌خورده ایران استفاده می‌کنند. پیش از این‌ها و در دوره جوانی با گروه‌های مخالف جریان اصلاح‌طلبی بحث و گفت‌وگو داشتیم، آنها هم خود را مالک دین و مذهب می‌دانستند و نمی‌توانستند قبول کنند که خدا، خدای همگان است، اما شهادت می‌دهم که این تمامیت‌طلبی با آن تمامیت‌طلبی هزار فرسنگ فاصله دارد.

۳ مضایق بی‌جهتی که به کار خبررسانی تحمیل شده، مرجعیت رسانه را از ایران خواهان گرفته و به رسانه‌هایی رسمیت داده که دشمن ایران و ایرانی هستند. از مضایق که بگذریم، آشفتگی در وضعیت خبررسانی از سوی مراکز و مراجع رسمی هم به بی‌اعتمادی مردم دامن زده است. در همین حادثه چند روز پیش کشته شدن امام جمعه کازرون، ظرف یکی دو ساعت از سوی فرماندار و ستاد نماز جمعه و چند مقام و دستگاه دیگر صد حرف متناقض زده شد. امام جمعه کازرون به احتمال زیاد به دلیل اختلافی غیرسیاسی کشته شد، ضارب هم چنانکه از تصاویر مشخص است، مرد نسبتاً سالمند عصابه دستی بود که به احتمال زیاد انگیزه‌های ضدامنیتی و سیاسی نداشته است، اما خبر همین حادثه با لاپوشانی‌های بی‌دلیل و مخفی‌کاری چنان باتزاب پیدا می‌کند که هزار شک و شایعه را می‌توان بر آن سوار کرد. کشته شدن مرحوم امام جمعه، آیا خلأ قدرت در کازرون به وجود می‌آورد که باید مخفی نگه‌داشته می‌شد؟ در موضوع سقوط بالگرد رئیس جمهور فقید هم همین داستان پیچیده و بی‌دلیل تکرار شد. مثل هزار بار دیگر.

رفع مضایق خبررسانی و در کنار آن تبری جستن خبرنگاران و روزنامه‌نگاران ایران‌دوست، از همکاران سابق و از وطن‌دست‌شسته‌شان، شاید بتواند اندک اندک آن بی‌اعتمادی به رسانه‌ها و اخبار منتشرشده از داخل را کم کند. ای کاش روزنامه‌نگاران میهن‌دوست دست به یک شوند و توماری بنویسند و از هر چه که به بوی حمایت از تجاوز و دشمن ایران و ایرانی می‌دهد تبری بجویند و یک بار موضع‌شان را درباره رسانه‌های ضدایرانی فارسی‌زبان روشن کنند و شمه‌ای از دروغ‌های آشکار آنان را بازگویند.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمدزید آبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • امید عرب (مدیر آنلاین)
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



عکس: خبرگزاری میزان

وضعیت قرمز در اردوی آبی

بررسی شرایط بحرانی استقلال که از هشت مسابقه فقط ۸ امتیاز کسب کرده است



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

البته نیمه بر لیوان می‌تواند برای استقلال چنین ترسیم شود که موسیمانه از این بحران عبور کرده، استقلال را بار دیگر به بالای جدول برگرداند و این تیم را به تیمی مدعی تبدیل کند.

▼ فاجعه‌ای به نام خط دفاعی استقلال

استقلال تهران در این فصل نتوانسته آنطور که باید در خط دفاع عملکرد قابل‌قبولی داشته باشد. استقلال تا اینجا کار بدترین خط دفاع لیگ را داشته و حتی در یک مسابقه نیز نتوانسته دروازه‌اش را بسته نگه دارد. استقلال در دو مسابقه اخیر خود در لیگ برتر، شش بار دروازه‌اش باز شده که نشان از وضعیت بحرانی این تیم می‌دهد. استقلال در لیگ‌های سوم و هفتم پس از هشت بازی موفق به بسته نگه داشتن دروازه‌اش نشده بود و در لیگ هفتم مانند این فصل در هشت بازی، ۱۴ گل خورده بود. بدترین آمار استقلال در لیگ سوم رقم‌خورده که در ۱۰ بازی اول کلین‌شیت نداشت و حالا باید دید استقلال این آمار بد را تکرار خواهد کرد یا خیر.

▼ قراردادهای نجومی و اختلاف بین بازیکن‌ها

هواداران استقلال پیش از شروع فصل از «بمب نقل و انتقالاتی» یعنی حضور رامین رضاییان در این تیم خرسند بودند. رامین رضاییان ستاره فوتبال ایران که دو فصل قابل‌قبول را در سپاهان تجربه کرده بود، بعد از تماس مدیران استقلال راهی این تیم شد. افشای قرارداد رضاییان نشان می‌دهد قرارداد او چیزی در حدود ۱۰۰ میلیارد تومان است چراکه طبق اسناد منتشر شده، او قسط اول قراردادش که ۳۰ درصد از اصل قراردادش بوده را به مبلغ ۳۵ میلیارد تومان دریافت کرده است. یعنی اصل قرارداد او تقریباً ۱۲۰ میلیارد تومان برای یک فصل است. فرشید سمیعی، مدیرعامل استقلال اما در توجیه اینکه چطور رضاییان ۳۵ میلیارد تومان فقط بابت قسط اول قراردادش دریافت کرده، گفت: «این کل قرارداد رضاییان است که او در همان ابتدای فصل دریافت کرده است». موضوعی که بیشتر فکاهی است تا واقعیت داشته باشد چراکه چنین موضوعی با عقل جور در نمی‌آید که یک بازیکن رقم قراردادش را یکجا ابتدای فصل دریافت کند. در صورت مصدومیت یا حتی کسر قراردادش به دلیل مسائل انضباطی، باشگاه چطور می‌خواهد از بازیکن پول را کسر کند؟ یکی دیگر از این چالش‌ها، درگیری کاپیتان استقلال یعنی حسین حسینی با مالک باشگاه بود. حسین حسینی فاش کرد، این باشگاه بابت غرامت گلر بوسنیایی مبلغ ۱۰ میلیارد تومان پرداخت کرده. همین افشاجاری باعث شد حسینی بهمدت چهار روز از تمرین و ترکیب استقلال کنار گذاشته شود. فاصله بین بازیکن‌ها و مالک باشگاه باعث شده آن دلسوزی‌ای که مورد انتظار مخاطبان این تیم است، برآورده نشود.

▼ موسیمانه و حل بحران

موسیمانه در قاره آفریقا افتخارات بسیاری را کسب کرده است. هرچند منتقدان او معتقدند که او تجربه مربیگری خارج از این قاره را آنطور که باید، نداشته و افتخارات او صرفاً محدود به آن قاره است. نشست خبری طوفانی او بعد از شکست استقلال مقابل خیبر خرم‌آباد نشان می‌دهد که بازیکن‌ها دیگر نمی‌توانند روال سابق را پیش بگیرند. او در نشست خبری گفت، ظاهراً پیراهن استقلال برای برخی بازیکن‌ها بزرگ است و آنها درک نمی‌کنند برای چه تیم بزرگی بازی می‌کنند. براساس شنیده‌ها، موسیمانه خطاب به یکی از ستاره‌های این تیم و البته گران‌ترین بازیکن لیگ برتر گفته: «فکر نکن چون گران قیمت هستی قرار است فیکس بازی کنی. با ادامه این روند مطمئن باش سکونشین خواهی شد، نه نیمکت‌نشین!»

باید دید سرنوشت استقلال فعلی، مشابه استقلال لیگ هفدهم خواهد شد که با حضور شفر درنهایت تبدیل به تیمی خطرناک شده و موفق شدند بعد از پرسپولیس نایب‌قهرمان لیگ شوند یا خیر. مسئولیت آتی تیم با موسیمانه است.

چهره

تعلیق بهترین گلزن

هفته اول مسابقات لیگ برتر زنان در حالی برگزار شد که غیبت ستاره تیم خاتون‌یم در ترکیب این تیم سوال‌برانگیز شد. قنبری که عنوان برترین گلزن تاریخ فوتبال باشگاهی و ملی زنان ایران را یدک می‌کشد، انتظار می‌رفت به حضورش در ترکیب خاتون ادامه بدهد و در اولین بازی فصل جدید، به دنبال برداشتن نخستین گام در مسیر دفاع از عنوان خانم‌گلی‌اش باشد؛ با این وجود، پیش‌بینی‌ها خلاف آنچه اتفاق افتاد، بود و با وجود آنکه زهرا قنبری مصدومیتی نداشت، این ستاره کلیدی برابر تام به میدان نرفت! پیگیری‌ها نشان می‌دهد که شادی گل این بازیکن در لیگ قهرمانان آسیا که فقط برای ثانیه‌هایی روسری او از سرش افتاد، برایش دردرس شده است. کارت بازی زهرا قنبری از سوی سازمان لیگ صادر شده، اما از سوی برخی نهادهای فلام‌موزبازی‌ندارد. البته مسئولان خاتون‌یم امیدوارند که این موضوع به‌زودی حل شده و قنبری به مسابقات اضافه شود.



تاریخ

تاسیس جمهوری ترکیه

در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۳، جمهوری ترکیه به رهبری کمال مصطفی آتاتورک از ویرانه‌های امپراطوری عثمانی سر بر آورد و اعلام موجودیت کرد. امپراطوری عثمانی در آغاز جنگ جهانی اول پیروزی‌هایی کسب کرد، اما در نهایت جزو بازنده‌های این جنگ بود و مورد تهاجم بریتانیا و متحدانش قرار گرفت. در این هنگام در منطقه آناتولی مقاومتی علیه تهاجم کشورهای خارجی آغاز شد که به شکل‌گیری مجمع بزرگ ملی انجامید. آتاتورک در این مجمع محوریت داشت. با مقاومت این جنبش و با امضای پیمان لوزان، زمینه برای تشکیل جمهوری ترکیه مهیا شد و متعاقب آن آتاتورک به‌عنوان رهبر حزب جمهوری خواه خلق، به‌مدت ۱۵ سال و به‌صورت مادام‌العمر ریاست‌جمهوری ترکیه را برعهده گرفت. قانون اساسی ترکیه براساس جدایی دین از سیاست بناشد و آتاتورک اصلاحات گسترده‌ای را در این کشور برای مدرنیزاسیون اقتصادی و فرهنگی آغاز کرد.

ادامه از صفحه اول

کوچه‌های شهری که هیچ شباهتی با خیابان‌ها و اتوبان‌هایی که محل استودیوهای صداوسیماست ندارد. عجیب که یک اتفاق دو واکنش چنین متفاوت داشت؛ خانواده‌ی شهیدار و شوشتر و رامهرمز ماتم داشتند و عزاء و این‌ها در شمال تهران شادی و خنده!

مجرى و کارشناس سيما تنها نبودند. آن‌ها و تيرين جماعتى‌اند که هر روز در کنج عاقبت و امن نشسته‌اند و مى‌گویند لنگش کن. همان‌ها که هم‌زمان که مرزداران و پاسبانان ایران مشغول رزم و زیر آتش بودند، یا در باره‌ی حمله‌ی اسرائیل جوک مى‌ساختند و یا مشغول ساختن کلیپ بودند که بگویند اتفاق خاصی نیفتاده است. قطعاً منظور، مردمان عادی نیستند که به هر چیزی متوسل مى‌شوند تا اضطراب لحظات سخت را از خود دور کنند، منظور آن‌هایی‌ست که کسب و کارشان در تنش و ناآرامی است. آدم‌های پرمده‌ای که سروصدای‌شان گوش فلک را کر مى‌کند، دائم مشغول گری خواندن هستند، حاضر نیستند یک قدم از محوطه‌ی امن خود بیرون بیایند و کوچک‌ترین هزینه‌ای بدهند؛ حتی هزینه‌ای در حد نگرفتن یک روز دستمزدشان. از آن سمت با مردان و زنانی طرفیم که بر زبان‌شان صلح جاریست و از جنگ گریزانند اما وقتی به آنجا مى‌رسند که دیگر چاره‌ای جز جنگ نیست، از بیرون گود دستور لنگ کردن نمی‌دهند. خط اول بلا و سپر دیگران‌اند. این بیرون نه نریمون دارند نه سروصدا. خانه و زندگی‌شان را هم که دیده‌اید. شهیدان حمله‌ی اسرائیل احتمالاً مظلوم‌ترین شهیدان معاصرند. آنان که صداوسیماى داخلی کارشان را کوچک مى‌شمرد و انگار در ترقه‌بازی آسیب دیده‌اند و شبکه‌ی فارسی‌زبانى که ابزار پروپاگانداى صهیونیست‌ها هم چنان روایت مى‌کند که انگار ارتش ما متجاوز است و ارتش اسرائیل مظلوم، کمتر موقعیتی پیش مى‌آید که سرباز وطنى که در راه دفاع از وطنش جانش را از دست داده در چنین موقعیتی قرار بگیرد. موقعیت دوقطبی‌ای که یک سوشش دوستی ناخبردانه است و دیگر سوشش دشمن خبیثی که انگار جز نابودى ایران به چیز دیگری رضایت نمی‌دهد. موقعیتی که لشکریان سایبری، زیر اگانه‌هایی‌نهان شده‌اند و از این مى‌گویند که ارتشی خوب باید فلان باشد و اینان بهمان هستند و پس خوب نیستند. نوشته‌هایی که شاید در ابتدا ساده به نظر بیایند و نظر کار برانى ساده اما وقتی انسجام، تداوم و گستردگی چنین پیام‌هایی را مى‌بینیم، مشخص مى‌شود که در هدف غلیبی اینان انسانیت‌زدایی از هرکسى است که از ایران دفاع کند. همان کاری که با مردم غزه و جنوب لبنان کردند تا راحت قتل‌عام‌شان کنند. شوربختانه که صداوسیما هم از سر نابلدی در همین دام مى‌افتد. یا کوچک شمردن دشمن. کار سربازان را کوچک مى‌شمرد. کار مردان بی‌ادعایی که تا آن روز که جان فدا نکنند کسی قدرشان را نمی‌داند. کار مردان و زنانی که جهان برای روی خوش دیدن به آن‌ها نیاز دارد. آدم‌های فروتنی که بی‌سروصدا به این دنیا مى‌آیند و مى‌روند ولی تأثیر عمیقی بر زندگی مى‌گذارند.